



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : علوم سیاسی

عنوان:

**تعریف (توضیحی) جرم سیاسی با عطف به نحوه برخورد با مخالفین در سیره امام
علی (ع)**

استاد راهنما:

دکتر مهدی عباسی سرمدی

دانشجو:

مصطفی دولو

شهریور 1390

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

در تحقیق مزبور با استفاده از شیوه استقرایی، متون تاریخی مربوط به دوران حکومت حضرت علی (ع) را مورد بررسی قرار دادیم. در ابتدای امر بنیان های اندیشه سیاسی حضرت علی (ع) را تبیین نمودیم و مفاهیمی همچون سیاست، قدرت، حکومت، بیعت و ... را از نظر ایشان مورد بحث قرار دادیم و سپس به رفتارهای امام علی (ع) با مخالفانشان (به طور موردی) در مقاطع مختلف پرداختیم.

از این منظر کوشیدیم تا پاسخ هایی درخور به سوالات مطرح شده در تحقیق ارائه دهیم. سوالاتی همچون «امام علی (ع) چه شیوه هایی را در برابر دشمنان به کار می بردند؟ نحوه استفاده از قدرت در مراحل شکل گیری مخالفان چگونه بود؟»، «چه زمانی امام علی (ع) در برابر مخالفان حکومت دستور جهاد می دادند؟» و نهایتاً این که « چگونه می توان جرم سیاسی را با توجه به نحوه برخورد امام علی (ع) با مخالفانش تعریف و تبیین نمود؟ »

در نهایت، تحقیق مزبور جرم سیاسی را اینگونه تعریف می کند: «انجام فعلی متجاوزانه است که گروهی منسجم با قصد براندازی علیه حکومت عادل انجام دهند.»

ویژگی مجرمان سیاسی از این منظر عبارتند از: داشتن قدرت کافی، سازماندهی منسجم و تشکیلات قوی، تجاوزکاری (تضرر به کارگزاران دولت و مردم عادی به خاطر عداوت با حکومت) و اصرار بر راه باطل خویش با قصد براندازی می باشد.

فهرست مطالب

1	کلیات: طرح مساله
1-1	اهداف و علل انتخاب موضوع
2	1-2 پیشینه تحقیق
3	1-3 سوال اصلی
3	1_4 سوالات فرعی
4	1_5 فرضیه
4	1_6 روش تحقیق
4	1_7 مفاهیم کلیدی

بخش اول: مبانی سیاسی امام علی (ع)

7	فصل اول: فلسفه سیاست و حکومت در اندیشه امام علی (ع)
7	مقدمه
8	تعریف سیاست
11	سه تفسیر از تعاریف سیاست
14	سیاست علوی
19	سیاست علوی، سیاست آرمانی
19	سیاستمدار کیست؟
21	فلسفه وجود حکومت
22	ضرورت داشتن حکومت از دیدگاه امام علی (ع)
28	تفکیک مقام امامت و خلافت

30	اهداف حکومت علوی
34	شرایط زمامداران در اندیشه علوی
42	قدرت از نگاه امام علی (ع)
44	رابطه دولت و دین در حکومت علوی
48	1. تقدم نظم مقید
48	2. تقدم عدل بر دیگر ارزش های اجتماعی
50	3. تقدم ارزش های معنوی بر مصالح مادی
51	فصل دوم: نقش مردم در حکومت علوی
53	مفهوم بیعت
56	بیعت در قرآن
56	(الف) سوره فتح، آیه 10:
56	(ب) سوره فتح، آیه 18:
57	(ج) سوره ممتحنه آیه 10:
58	انواع بیعت ها
59	بیعت نبوی
59	بیعت خلفا
60	بیعت علوی
61	نحوه بیعت علوی
61	(الف) آزادی مردم مدینه در بیعت
62	(ب) بیعت آزادانه اهل کوفه
63	(ج) بیعت اهل یمن
65	مدارا با کسانی که بیعت نکردند
69	هدایت مردم، علت نرمش در بیعت گرفتن

- 70.....انتخاب مهاجرین و انصار تعیین‌کننده خلیفه
- 73.....تجدید نظر در بیعت
- 74.....اصل مشورت
- 74.....مشورت در قرآن
- 77.....اهمیت و جایگاه مشورت در رهنمود های امام علی (ع):
- 78.....توصیه هایی در باب کیفیت مشورت
- 80.....مشورت با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد

بخش دوم: تعاریف و مصادیق جرم سیاسی

- 83.....فصل سوم: مخالفان حکومت علوی
- 84.....الف) ناکثین
- 84.....نامه معاویه به زبیر
- 86.....علل مخالفت عایشه با حضرت علی (ع)
- 87.....بیعت مجدد، اولین برخورد امام با ناکثین
- 88.....روش بسیج مردم برای جهاد
- 88.....ملایمت و دعوت به حق، حتی پس از لشگرکشی
- 89.....عدم بهانه دادن به دشمن
- 89.....ارسال پیاپی نامه و قاصد برای اتمام حجت
- 91.....زبیر به حقیقت باز می‌گردد
- 91.....هدف از جنگ رحمت است نه حفظ قدرت
- 92.....حقوق جنگ (حقوق بشردوستانه)
- 93.....مظلوم واقع شدن، مجوز استفاده از سلاح

95.....	توجه به آگاهی سیاسی مردم.....
96.....	پس از جنگ جمل.....
97.....	محرومیت اجتماعی، جزای قاعدین از جنگ.....
98.....	(ب) قاسطین.....
99.....	ارسال نامه‌های مکرر برای جلوگیری از جنگ.....
102.....	عدم مماشات با دشمن جهت حفظ قدرت.....
102.....	حمله عمال معاویه به مالک اشتر.....
103.....	مشورت برای لشگر کثی.....
104.....	اطمینان قلبی مومنان مقدم بر لشگر کثی.....
104.....	ارسال پیک قبل از آغاز جنگ.....
105.....	فراخوان عمومی به جهاد.....
105.....	آگاهی سیاسی در فتنه.....
106.....	وحدت درونی مقدم بر دشمنان خارجی.....
107.....	سخنرانی امام علی برای هدایت فریب خوردگان.....
108.....	سخنرانی افشاگرانه امام علی (ع) با یاران.....
109.....	افشای ماهیت عمروعاص.....
109.....	افشای ماهیت معاویه.....
110.....	حقوق بشر دوستانه امام در جنگ صفین.....
110.....	ایجاد راه نجات برای دشمنان.....
111.....	آزادی اسرا پس از اتمام جنگ.....
111.....	عفو و بخشش گستاخی دشمنان.....
112.....	دعوت به هدایت به جای مجادله و پرخاش.....

112.....	زنان
113.....	عدم کشتار حامیان دشمن با وجود کارشکنی
113.....	جلوگیری از دسترسی به آب توسط سپاه قاسطین
113.....	نصیحت ابوموسی به جای توبیخ
114.....	ج (مارقین):.....
115.....	پاسخ به شبهات خوارج
119.....	الف) ایجاد جوی مسموم بر علیه امام جهت تضعیف موقعیت وی
120.....	ب) ایجاد اخلال و بر هم زدن سخنرانی های امام
121.....	ج) اهانت به امام علی(ع)در مجامع عمومی
121.....	د) تدارک جنگ خوارج با امام علی (ع).....
125.....	ه) جنگ
126.....	فصل چهارم: تعریف جرم سیاسی، شرایط و ویژگی ها.....
127.....	تاریخچه جرم سیاسی در غرب
130.....	تعاریف جرم سیاسی
132.....	تعریف جرم سیاسی از دیدگاه مجامع بین المللی
133.....	ارکان عمومی جرم سیاسی
134.....	رکن قانونی جرم
135.....	رکن معنوی جرم
136.....	رکن مادی جرم
138.....	ضوابط تشخیص جرم سیاسی از جرم عادی.....
139.....	1- ضابطه عینی یا موضوعی یا فعلی یا بیرونی
140.....	2- ضابطه ذهنی
141.....	3- ضابطه یکی از دو امر

142	4- ضابطه مختلط
143	مصادیق جرائم سیاسی
152	خیانت
153	خبرچینی یا جاسوسی
154	خرابکاری
154	براندازی
155	آشوبگری
156	تعریف «جرم سیاسی» از دیدگاه حقوق دانان اسلامی
157	شرایط تحقق جرم بغی
157	1- مسلمان بودن باغیان
159	2- دارای قدرت مادی کافی باشند (المنعة)
	3- گروهی باشد 159
160	4- عدالت حاکم و امام جامعه
161	5- داشتن توجیه و مجوز شرعی برای قیام
161	6- داشتن مکان و تشکیلات
161	7- داشتن رهبر و فرمانده
162	8- جدا شدن از حکومت
162	9- مشروعیت نظام
163	ویژگی‌های مجرم سیاسی در نگاه علوی
165	تعریف پیشنهادی جرم سیاسی
167	نتیجه گیری
168	فهرست منابع

کلیات

طرح مساله:

همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های هر حکومتی، نوع رابطه با مخالفانش می‌باشد. در حکومت‌های مطلقه مخالفان نه تنها جایگاهی در درون نظام دولتی ندارند، بلکه از طرف صاحبان قدرت سعی می‌شود، که نابود شوند. این در حالی است که در حکومت‌هایی که مشارکت مردم در درجه بالایی وجود دارد، به آسانی نمی‌توان مخالفان و منتقدان را وادار به سکوت کرد.

اما جایگاه منتقدان و مخالفان در حکومت امام علی (ع) با عرف رایج جهان معاصر متفاوت است. زیرا از نگاه ایشان مردم دو دسته‌اند یا برادران دینی‌تان هستند و یا افرادی که در خلقت و انسانیت نظیر شمایند. در این دیدگاه هدف از به دست آوردن قدرت و حکومت هدایت و شکوفایی مردم برای رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی است. بنابراین ارباب و شکنجه مخالفان جایی در این منظومه فکری ندارد. از این رو تامل در سیره حضرت نمونه‌ی خوبی خواهد بود، تا بتوان رهیافتی کامل در رابطه با حکومت و مخالفان به دست آورد.

1-1 اهداف و علل انتخاب موضوع

همانطور که پیشتر گفته شد، شناخت حقوق مخالفان از طریق تمسک به الگوی حکومتی علوی از مهمترین انگیزه‌های انتخاب این موضوع است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان شکلی از حکومت اسلامی نیاز مبرمی به تبیین رابطه بین حکومت و مخالفان خویش دارد. مسکوت ماندن اصل 168 قانون اساسی در مورد تعریف جرم سیاسی پس از گذشت 3 دهه نشان از ضعف تئوریک در این زمینه دارد.

البته این تحقیق فقط از زاویه خاصی به جرم سیاسی می نگرد و لازم است با نگاه‌های مختلف و کلی‌تری از جمله قرآن کریم و سیره‌ی رسول الله (ص) مورد بررسی قرار گیرد.

1-2) پیشینه تحقیق

- کتاب « جرم سیاسی»، اثر عباس زراعت؛ این کتاب که مشتمل بر پنج فصل می باشد، در فصل ابتدایی آن به تعاریف مختلف از جرم سیاسی پرداخته و از نظرات اندیشمندان غربی و برخی از فقهای اسلامی استفاده نموده است. در فصل دوم، به سیر تاریخی جرم سیاسی عنایت دارد و خیانت و جاسوسی را به عنوان مصادیقی از جرم سیاسی مطرح کرده است و در نهایت به موضوع بغی و محاربه اشاره نموده است. نویسنده بر افتراق بغی و محاربه تاکید گذاشته است و بغی را هم جز جرم سیاسی قرار می‌دهد.
- کتاب «بررسی فقهی - حقوقی جرم براندازی» اثر حسین آقا بابایی است. نویسنده بغی را به عنوان جرم سیاسی تلقی می‌کند. وی با ابداع اصطلاح «جرم انگاری» سعی نموده بین مخالفین سیاسی که به خاطر اهداف متعالی - به زعم خویش - مبارزه می‌کند و محاربه کاملاً تفاوت قائل شود. چرا که معتقد است حکومت‌ها در مورد بغی سکوت کرده و همه به مسئله محاربه پرداخته‌اند. نویسنده ترس فقها را از سوء استفاده‌ی حکومت‌های اسلامی از آیه محاربه در مقابل مخالفین بیان می‌دارد و در جای جای کتاب خویش با آوردن مصادیق تاریخی و روایی بر مدعای خود پا می‌فشارد.

- کتاب «آزادی در نهج البلاغه» یا «نحوه برخورد با مخالفین در نهج البلاغه» اثر عبدالعلی بازرگان؛ نویسنده این کتاب که متأثر از مجموعه کتب عبدالفتاح عبدالمقصود است به شرح جنگ‌های جمل، صفین و نهروان می‌پردازد. بازرگان بر عنصر آگاهی و انتخاب همه مردم در مسائل سیاسی تاکید دارد.
- کتاب «دولت آفتاب» اثر مصطفی دلشاد تهرانی است که در شش بخش به مباحثی از جمله: بیعت، دولت، زمامداران، اصول اداره امور، اقبال و ادبار دولت‌ها می‌پردازد.
- «سیاست از منظر امام علی (ع)»، اثر حسین سلیمی است. در این کتاب با ارجاعات متعدد به نهج البلاغه سعی شده است بر نقش محوری مردم در حکومت علوی بپردازد.

1-3) سوال اصلی

این تحقیق درصددِ تعریف (توضیحی) جرم سیاسی با توجه به نحوه برخورد امام علی (ع) با مخالفانش است و از این زاویه ویژگی‌ها و عناصر جرم سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

از آن جایی که پرداختن به موضوع جرم سیاسی به شکل آکادمیک جدید است، نمی‌توان با این انگاره‌ی جدید متون تاریخی را بررسی کرد اما ماهیت اینگونه جرائم همواره در تاریخ سیاسی وجود داشته لذا اضافه شدن کلمه «توضیحی» از این باب می‌باشد.

1_4) سوال فرعی

از منظر امام علی (ع) حقوق مخالفان حکومت چه بوده است و تا چه زمانی آن را محترم می‌شمارند؟

امام علی (ع) چه شیوه هایی را در برابر دشمنان به کار می بردند؟ نحوه استفاده از قدرت در مراحل شکل گیری مخالفان چگونه بود؟

چه زمانی امام علی (ع) در برابر مخالفان حکومت دستور جهاد می دادند؟

1_5) فرضیه

حضرت در برابر مخالفان اصل کرامت انسانی و آگاهی را همیشه لحاظ می کرد و تا زمانی که امنیت (جان و مال و ناموس) مردم و اصل حکومت در خطر نیفتاده بود، با مخالفان مماشات می کرد و با هدایت و نصیحت با مخالفان برخورد می کرد، تا زمانی که آنان علنا دست به تجاوز و کشتار نمی زدند، با قدرت قهری به آنان پاسخ نمی دادند و عملا دیگر راهی برای اصلاح آنان باقی نمانده بود.

1_6) روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع مختلف تاریخی و حقوقی، کتابخانه ای بوده و از شیوه استقرایی برای تحقیق مزبور استفاده شده است. بدین نحوه که با رجوع به جزء جزء تاریخ در صدد است تا گزاره مورد نظر (جرم سیاسی) را تبیین نماید.

1_7) مفاهیم کلیدی

امام علی (ع)، جرم سیاسی، حقوق مخالفان

بخش اول:

مبانی سیاسی اندیشه امام علی (ع)

فصل اول:

فلسفه سیاست و حکومت در اندیشه امام علی (ع)

مقدمه

معنای کلمه سیاست نیز مانند سایر مفاهیم عالیه از سرنوشت اختلاف آراء و نظریات بی بهره نیست، بنظر می رسد یکی از مهمترین علل تعاریف متعدد از سیاست وجود نگاه های متفاوت به انسان است. نگاه اندیشمندی که انسان را فعال مایشا در دنیا می داند که خداوند او را مامور آبادانی این دنیا کرده و صرفاً فلسفه وجودی خود را پیشرفت و ترقی در این عالم می داند، با نگاهی که انسان را مسئول در برابر خداوند قرار می دهد و علاوه بر تلاش و کسب بهروزی در این دنیا باید خود را برای دنیای پس از مرگ آماده کند تفاوت ماهوی دارد.

جدول شماره 1 دیدگاه های متفاوت به انسان را به اختصار نشان می دهد:

نگاه به انسان	اندیشمندان
انسان موجودی شریر و بد ذات	هابز و ماکیاول
انسان موجودی شریر اما مستعد تربیت و رشد	جان استوارت میل
انسان موجودی ذاتا پاک و مستعد هم رشد و هم غی	نگاه اسلام
انسان موجودی ذاتا پاک اما عامل بیرونی (مالکیت) او را به راه خودبینی و تجاوز می کشاند	روسو

البته شاخص های دیگری هم باعث ایجاد تفاوت در تعریف مفاهیم علوم انسانی خاصتاً علوم سیاسی می شود که در ادامه به ذکر آن می پردازیم اما بنظر نگارنده این فاکتور (نگاه به انسان) پر رنگ تر می باشد، چرا که به فلسفه وجودی انسان، دنیا، هستی باز می گردد.

امیرالمومنین (ع) در مورد ارزش انسان می فرماید: « ای انسان تو آزاد آفریده شدی، پس خود را بنده دیگری مساز». این جمله حضرت اشاره دارد به این نکته دارد که انسان هم توانایی رسیدن به اهداف عالی را دارد و هم جهت گیری غیر الهی.

در جای دیگر حضرت می فرماید: « قدر الرجل علی قدر همته: ارزش هر انسان به مقدار همت اوست»

و در جای دیگری بر ارزش جاودانه آدمی و فانی بودن دنیا می فرمایند: «الا حر يدع هذه اللماظه لاهله؟ انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنه، فلا تبيعوها الا بها»

آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده ی حرام دنیا را به اهلش واگذارد؟ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید (نهج البلاغه، حکمت 456).

تعریف سیاست

با این مقدمه که تا حدی نشان دهنده تمایز نگاه ها به انسان است، به تعاریف سیاست می پردازیم:

«سیاست» واژه ای است عربی که ریشه ی آن «السوس» به معنای ریاست یا به معنای خلق و خو می باشد. بنا به تعریف اهل لغت: السياسةُ القیامُ علی الشیء بما یصلحه، «سیاست، اقدام و انجام چیزی بر طبق مصلحت آن است.» (ذوعلم، 1382، ص 39-40). از سوی دیگر این واژه در برابر واژه انگلیسی policy و واژه فرانسوی politique به کار می رود، خود از واژه یونانی polis به معنای شهر یا cite گرفته شده است. در زبان فارسی این واژه معانی مختلفی به خود گرفته است که شامل ذکاوت، تنبه کردن، تدبیر و برنامه و اداره امور یک شرکت، یک جامعه و یا یک مملکت می شود (نقیب زاده، 1384، ص 23).

اندیشمندان سیاسی تعریف واحدی از اصطلاح «سیاست» نکرده اند، چرا که برخی از آنان مرکز ثقل سیاست را قدرت (power) می دانند، اینان نظیر هارولد لاسول، چارلز مریام، مارکس وبر و هانس مورگنتاو برسرشت پویای سیاست تاکید کرده اند و می گویند «سیاست مقوله ای درباره قدرت است، یعنی مربوط به توانایی کارگزاران، کارگزارها و نهادهای اجتماعی برای حفظ یا تغییر محیط اجتماعی یا مادی خودشان.»

یا مورگنتاو می گوید: «عمل سیاسی، عملی است که براساس قدرت انجام گیرد» (عالم، 1383، ص 27/26).

فروکاستن سیاست به قدرت مانند فروکاستن اقتصاد به پول است. پول در همه جا نماد اقتصاد و مهمترین جلوه آن است اما پشتوانه پول، فعالیت های اقتصادی است و هرگز قائم بالذات تلقی نمی شود.

برخی دیگر دولت (state) را جوهر سیاست می دانند. مترادف دانستن سیاست و دولت در واقع توقف در فلسفه سیاسی ارسطو است. Polis نماد یک جامعه اصلی است که سازمان های آن در وجود دولت خلاصه می شود. مترادف دانستن سیاست و دولت از این امتیاز برخوردار است که می توان آن را به دقت مشخص نمود و مطالعات دولت و مربوطه را در دولت شناسی خلاصه کرد. اما بنظر می رسد اگر کسی اقتصاد را به بانک مرکزی یا وزارت اقتصاد فرو کاسته باشد. این قبا برای سیاست تنگ است (نقیب زاده، 1384، ص 26).

با توجه محور قرار دادن قدرت یا دولت است که برخی معتقدند "سیاست" حداقل در دو معنا بکار می رود، و هر دو معنای آن بر زندگی روزمره ی همه افراد بی درنگ تاثیر می کند. در معنای محدود و متعارف - یعنی آنچه دولت انجام می دهد - سیاست تاثیری بلافاصله روزمره، ساعت به ساعت دارد. در معنای گسترده - اعمال قدرت از سوی افراد بر افراد دیگر - سیاست، بخشی از همه ی انواع مناسبات اجتماعی، حرفه ای، مذهبی و فرهنگی است (تانسی، 1386، ص 38).

عده ای حکومت (government) را مرکز سیاست دانسته اند. گروه دیگری هم تلفیقی بین حکومت و دولت را می پذیرند مانند پل ژانت، که می گوید علم سیاست آن بخشی از علوم اجتماعی است که درباره بنیاد های دولت و اصول حکومت بحث می کند.

گفتنی است یکی دیگر از اختلافاتی که در تعاریف سیاست موثر است، این است که با دو رویکرد متفاوت به سیاست نگاه می شود، یعنی از دید واقعگرایانه و از دیدگاه آرمانی، دیدگاه نخست سیاست را از حیث آن گونه که هست مورد ارزیابی قرار می دهد اندیشمندانی از قبیل هابز، ماکیاوول

در این زمره قرار دارند . گروه دیگر به سیاست آن گونه که باید باشد نگاه می‌کنند، افلاطون و اندیشمندانی که مایل به دخالت تعالیم کلیسا و به طور کلی احکام الهی در جامعه بودند جزء این گروه قرار دارند.

عبدالرحمن عالم در «بنیاد های علم سیاست» پس از آوردن تعاریف متعدد از اندیشمندان مختلف اینگونه تعریفی فراگیر ارائه می دهد:

اگر بخواهیم تعریفی به نسبت فراگیر از سیاست در اختیار داشته باشیم ، می‌توانیم آن را چنین تعریف کنیم: سیاست رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیزروابط بین افراد، گروهها، احزاب (نیروهای اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل یک کشور، و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه ی جهانی است (عالم، 1383، ص 30). اما بحث خود را در مورد تعاریف سیاست با اشاره به کتاب استیون تانسی در این باره خاتمه می‌دهیم :

جدول شماره 2 که به برخی از تعاریف سیاست می پردازد:

فرهنگ انگلیسی مختصر آکسفورد	علم و هنر حکومت، علمی که به شکل، تشکیلات و مدیریت یک دولت یا بخشی از یک دولت و مقررات ناظر بر روابط آن با دولت‌های دیگر می پردازد
برنارد کریک 1993	راهی برای حکومت بر متشکلت، از طریق روندی شامل بحث و بری از خشونت غیر لازم
هارولد لاسول 1936	هر کس چه چیزی می گیرد، چه وقت، چگونه
دیوید ایستون 1979	تخصیص اقتدارآمیز ارزش ها

(استیون تانسی، 1386، ص 39).

سه تفسیر از تعاریف سیاست

همانطور که در بالا ذکر کردیم تعاریف زیادی در این زمینه وجود دارد ولی ما در بحث مختصر خود لزومی به توضیح آن نظریات دامنه دار نمی بینیم. آنچه می توان مورد استفاده تشخیص داد سه تفسیر از سیاست که ما به بیان آن‌ها نیازمندیم:

(1) سیاست یعنی شناسایی چگونگی روابط میان فرد با دولت و جامعه. این جمله مختصر را از بعضی از نویسندگان تاریخ و فلسفه سیاست، نقل نمودیم.

ولی چنانچه می بینیم، این جمله نمی تواند معنای عمومی سیاست را بطور صحیح تفسیر کند، زیرا در این جمله ارتباطات موجود میان جامعه ها و حکومت ها و افراد در نظر گرفته نشده است در صورتی که بدون کوچکترین تردید شناسایی هر یک از ارتباطات مذکور نیز قسم معظمی از سیاست را تشکیل می دهد و انگهی در تعریف مزبور مهمترین نکته ای که در تفسیر کلمه ی سیاست باید منظور گردد مورد توجه نبوده است و آن نکته عبارت از ملاحظه ی قدرتی است که برای تغییر و با ایجاد روابط مزبور در مفهوم کلمه سیاست تضمین شده است.

(2) تفسیری است که ارسطو برای کلمه ی سیاست بیان کرده است:

«لازم است که مهمترین نیکی ها (خیرات) موضوع مهمترین اجتماعات قرار گیرد و این معنی همان است که بطور تحقیق دولت و سیاست نامیده می شود». باز در جای دیگر متذکر می شود و می گوید:

«غرض از تمامی علوم و فنون، خیر (نیکی) است و اولین نیکی ها لازم است موضوع بزرگترین علوم بوده باشد، این عبارت از سیاست است».

این ترجمه سوم از یونانی است و با احتمال اینکه در ترجمه ها خواه از یونانی به فرانسه و خواه از فرانسه به عربی اشتباهی رخ داده باشد با این وصف مقصود ارسطو از تعریف سیاست به آن اندازه که ما می خواهیم روشن است آنچه که از قصد ارسطو می توان گفت این است که: «سیاست امضا و یا ایجاد و یا تغییر رابطه ی اجتماعات به سوی بهترین نیکی ها است».